

تحلیل فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب دموکرات و اجتماعیون اعتدالیون در مجلس دوم شورای ملی ایران مطالعه موردی: کشمکش خلع سلاح مجاهدین (پارک اتابک)¹

زهرا توللی^{1*}، مریم شیپری²

(تاریخ دریافت: 92/4/21، تاریخ پذیرش: 93/4/25)

چکیده

در مقاله حاضر بعد تصمیم‌گیری مشارکتی در مشروطیت از لحاظ نوع کنش و روابط، مورد توجه قرار گرفته است. براساس این، پژوهش بر احزاب مجلس دوم متمرکز شده است که حتی در نخستین گام تصمیم‌گیری، یعنی «حل اختلاف» به‌سوی مذاکرات سازنده پیش نمی‌رفتند. از این رو، «کشمکش خلع سلاح مجاهدین» یا «پارک اتابک» انتخاب و این مسئله مطرح شده که چگونه و با چه شیوه‌هایی طرفین در هر مرحله به منازعات موجود واکنش نشان دادند؛ به گونه‌ای که منازعه‌ای کلامی و قانونی به درگیری‌ای نظامی تبدیل شد. در جست‌وجوی پاسخ، در چارچوب جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری، منابع تاریخی مرتبط براساس مدل پلکان منافع/حقوق/قدرت فیشر و بنابر «روش تحلیل فازی» بازخوانی شده است. پس از کدگذاری منابع تاریخی و تخمین نمره‌های عضویت مجموعه فازی، «عاملان

*tavallali.z@gmail.com

1. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز

2. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه سیستان و بلوچستان

متکی بر شیوه‌های حل اختلاف به شدت هزینه‌بر» مشخص شد که طرفین به تدریج از پنج نوع شیوه، شامل 0/4، 0/6، 0/9، 0/9 و 1 فرایند به شدت هزینه‌بر استفاده کردند. چند ضعف اساسی تصمیم‌گیری مانند فقدان نگاه کل‌گرا و اطلاعات کافی، نبود راه‌حل‌های جای‌گزین و منصفانه، و اعتماد نابجا به این فاجعه منجر شد.

واژه‌های کلیدی: پارک اتابک، روش تحلیل فازی، چارلز راگین، رشته حل اختلاف، جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری.

1. مقدمه

نهضت مشروطه نقطه عطفی است که مرز ایران قدیم و جدید به‌شمار می‌آید. در نهضت مشروطه مردم و نخبگان در تقابل با نظام تصمیم‌گیری استبدادی پیشین، خواهان روابط و نظام تصمیم‌گیری مشارکتی² و شورایی شدند. براساس این، نهادها و بر ساخت‌های ذهنی و عینی نوی مانند مجلس، قانون مدرن و حزب به‌وجود آمد؛ اما آن‌ها چندان ماهیت روابط و سبک کنشی مشروطه (مشورت و مشارکت) را نیافتند؛ چنان‌که احزاب حتی در گام نخست تصمیم‌گیری مشارکتی، یعنی «حل اختلاف» دچار مشکل می‌شدند و در عمل، نه تنها به‌سوی مذاکره‌های سازنده پیش نمی‌رفتند؛ بلکه بیش از پیش نیز فضا را ملتهب می‌کردند. این امر به‌ویژه در مجلس ملی دوم به‌عنوان نخستین تجربه تحزب بسیار برجسته بود. دو حزب اصلی این دوره «دموکرات» و «اجتماعیون اعتدالیون» بودند که در اکثر حوزه‌ها، از جمله مرام‌نامه، تصویب قانون، مقابله با دولت و... در تضاد با یکدیگر عمل می‌کردند.

[این] احزاب به‌جای بالا بردن میزان مشارکت مردمی در سیاست، مشغول زدوخورد با رقبای خود بودند و کارشان از زدوخورد به ترور و تکفیر منتهی شد و نه تنها فضای مناظرات سیاسی را آشتی‌پذیر جلوه ندادند، بلکه خود تبدیل به عاملی برای ستیز در جامعه شدند (سالمی قمصری، 1386: 39-40).

اکنون این مسئله مطرح می‌شود که این احزاب چگونه به اختلاف‌ها واکنش نشان می‌دادند که این‌چنین، به عامل ستیز تبدیل می‌شدند و از تحقق مشروطیت جلوگیری می‌کردند. اندیشمندان به این مسئله اغلب، از موضع مذمت و نقدهای کلی و غیرعلمی پرداخته‌اند؛

تحلیل فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب ... زهرا توللی و همکار

درحالی که این کشمکش‌ها را می‌توان به‌صورتی علمی و سازمان‌یافته براساس مدل‌ها و نظریات رشته حل اختلاف³ مطالعه کرد؛ زیرا این رشته علمی سال‌هاست که در تمام سطوح از روابط بین‌شخصی تا روابط درون دولت و بین‌المللی به موضوع کشمکش می‌پردازد (Furlong, 2005). همچنین، در آن از رشته‌های متنوعی، ازجمله روان‌شناسی، دیپلماسی، علوم اجتماعی، حقوق و حوزه مدیریت نزاع/ حل اختلاف استفاده می‌شود (Burgess, 1997). در این چارچوب:

حل اختلاف به حالتی اطلاق می‌شود که منابع ریشه‌دار کشمکش هدایت و حل می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که رفتارها و نگرش‌ها دیگر خشونت‌بار نیست و ساختار کشمکش تغییر کرده است. این اصطلاح هم به فرایند رسیدن به این تغییرات و هم به تکمیل فرایند حل اختلاف اشاره می‌کند (Miall, Ramsbotham & Woodhouse, 2005: 25).

بنابراین، در این رشته مدل‌های متنوعی برای شناخت علل وقوع کشمکش، طراحی و ارزیابی راهبردهای حل اختلاف مطرح می‌شود. هرچند این پژوهش فقط بر فرایند حل اختلاف دو حزب نام‌برده متمرکز است و برای گریز از نقدهای کلی نیز سعی می‌شود یک مورد برجسته از کشمکش بین آنان - واقعه پارک اتابک - براساس مفاهیم یکی از مدل‌های حل اختلاف مطالعه و بازخوانی شود.

در «واقعه پارک اتابک»، قوای دولتی به‌نام اجرای «قانون ترک اسلحه» با تمام نیروی نظامی خود، سردار و سالار ملی، و مجاهدین پناهنده به آنان را محاصره کردند و چنان جنگیدند که گویی قوای بیگانه را می‌کوبند؛ درنتیجه بسیاری از مجاهدینی که پایتخت استبداد را به‌کام مشروطه‌خواهان فتح کرده بودند، به سخت‌ترین و ناشایسته‌ترین روزگار دچار شدند. گویی بر فاتحان مشروطه خلعت دربوزگی مستبدین پوشاندند. درواقع، چرخش نابجایی رخ داد و درنهایت، سرکوب مجاهدین و نیروهای بااراده‌ای مانند سرداران ملی، فضا را برای جولان قدرت‌های بیگانه هموار کرد. این شرایط قدم‌به‌قدم به اولتیماتوم روس و انحلال جابرائه مجلس دوم منجر شد. این واقعه کلیدی و محوری ناگهان و بلافاصله پس از تصویب اجرای قانون رخ نداد؛ بلکه با مذاکره‌ای قانونی آغاز شد و با تحریف قانون و شکست ائتلاف اعتدالیون ادامه یافت. در این میان، طرف‌هایی برای حل قانونی مسئله کوشیدند؛ اما کینه‌خواهی

در بستر قانون غیرمنصفانه و فضای هیجانی بر شرایط تسلط یافت، از این رو، گام‌های متزلزل پیشین فقط توانست گام‌های قدرت و اسلحه را استوار کند.

بنابراین، این مسئله مطرح می‌شود که چگونه طرفین این کشمکش در هر مرحله به منازعات موجود واکنش نشان دادند؛ به‌طوری که منازعه‌ای کلامی و قانونی به درگیری‌ای نظامی تبدیل شد. به بیان دیگر، در این کشمکش احزاب یادشده چه ترکیبی از شیوه‌های حل اختلاف را به کار گرفتند؟ در جست‌وجوی پاسخ این پرسش سعی می‌شود براساس مدل پلکان منافع/حقوق/قدرت فیشر و اوری⁴ و بنابر روش تحلیل فازی، شیوه‌های حل اختلاف طرفین کشمکش مطالعه و بازخوانی شود.

چنین پژوهشی می‌تواند گامی نو به‌سوی تکمیل تاریخ‌نگاری مشروطه بردارد. درواقع، هرچند حوزه مشروطه مورد توجه بسیاری از پژوهشگران بوده و هست، هنوز کشمکش‌های احزاب مشروطه به‌صورت خاص و سازمان‌یافته و بر مبنای نظریاتی دقیق مطالعه نشده است. اغلب، تاریخ‌نگاران بدون نظریه‌های بین‌رشته‌ای به تاریخ مشروطه پرداخته‌اند. در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی - سیاسی نیز تجربه تحزب در دوره خاصی مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته است؛ چنان‌که این امر در دو اثر برجسته: *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت* از منصوره اتحادیه (1361) و *علل ناپایداری احزاب در ایران* از حسین تبریزنیا (1371) مشهود است. از این رو، در مطالعه موردی حاضر سعی می‌شود یک مورد خاص در چارچوب جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری و روش تحلیل فازی و براساس یک مدل حل اختلاف مطالعه شود. در ادامه، چارچوب نظری و روش خاص این پژوهش تشریح می‌شود.

2. چارچوب نظری پژوهش

در حوزه حل اختلاف، نظریات و مدل‌های گوناگون برای تشخیص و ارزیابی نوع کشمکش عرضه شده است. در این میان می‌توان به مدل چرخه کشمکش کریستوفر مور⁵ و مدل ابعاد برنارد مایر⁶ اشاره کرد (Furlong, 2005). این مدل‌ها هرچند بسیار روشنگرند، مسئله این پژوهش به تشخیص شیوه‌های حل اختلاف مربوط می‌شود؛ از این رو مدل منافع/حقوق/قدرت فیشر انتخاب شده است. این مدل بیشتر به فرایندهای متفاوتی می‌پردازد که مردم در

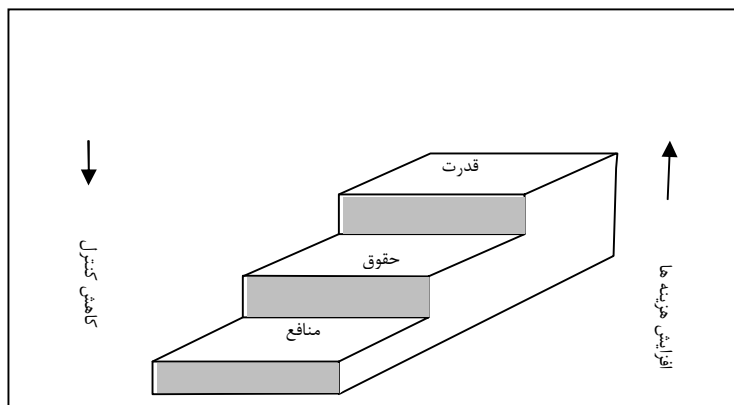
تحلیل فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب ... زهرا توللی و همکار

برخورد با کشمکش به کار می‌برند. براساس این، تمام رویکردها به کشمکش در قالب این سه نوع فرایند طبقه‌بندی می‌شوند: منفعت - بنیان،⁷ حقوق - بنیان⁸ و قدرت - بنیان⁹ (Ibid, 22). در ادامه، این سه مفهوم محوری معرفی شده است:

فرایندهای منفعت - بنیان: در این رویکرد بر مبنای وفاق و همکاری راه‌حلی جست‌وجو می‌شود که به اندازه کافی منافع طرفین را تأمین کند. نوع پیامد برنده/ برنده است. اکثر انواع مذاکره، میانجی‌گری، حل مسئله مشترک، چانه‌زنی دستاوردهای متقابل و بارش افکار نمونه‌هایی از فرایندهای منفعت - بنیان به شمار می‌آیند (Ibid, 110).

فرایندهای حقوق - بنیان: این رویکرد مربوط به موقعیتی است که طرفین حقوق خود را بر دیگری ترجیح می‌دهند و بر مبنای رقابت برای ترفیع حقوق خود، برای به حداقل رساندن و نامشروع کردن حقوق دیگری کوشش می‌کنند. حقوق از منابع بسیاری، مانند قوانین، میثاق‌ها، رسوم گذشته، سیاست‌ها و قراردادها ریشه می‌گیرد. در این فرایندها نوع پیامد، برنده/ بازنده است. نمونه‌های فرایند حقوق - بنیان را در مواردی، از جمله دعوی، حکمیت، قضاوت، تصمیم متکی بر دادگاه، ارزیابی بی طرفانه، بعضی انواع مذاکره و تفحص رسمی می‌توان یافت (Ibid). فرایندهای قدرت - بنیان: این فرایندها معمولاً در حد بالایی خصمانه (رقابتی) هستند و گاهی با وجود حقوق طرف‌ها، این فرایند اعمال می‌شود. حتی طرفین تمام منابع در اختیار خود را برای بُرد وارد می‌کنند. نوع پیامد، بازنده/ بازنده (هرچند گاهی برنده/ بازنده) است. تهدید، زور (نیروی) فیزیکی یا خشونت، اعتصاب‌ها، تصمیم‌گیری یک‌جانبه، بعضی انواع مذاکره، «خودیاری» و رأی‌گیری (رأی‌دهی) نمونه‌هایی از فرایندهای قدرت - بنیان هستند. دو فرایند آخر به واسطه تأثیر منابع قدرت و ماهیت رقابتی، در مواردی با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. چنان‌که در عمل، اغلب چارچوب‌های حقوق - بنیان به یک طرف در یک موقعیت قدرت می‌بخشند. برای مثال، بسیاری از مراجع قانونی می‌توانند قوانینی را تنظیم کنند که براساس آن، به نفع خود از قدرت و نیروهای فیزیکی استفاده کنند (Ibid, 110-112).

درکل، مدل پلکان ساده‌ترین صورت از مدل منافع/ حقوق/ قدرت است. با این معنا که هنگام حرکت طرفین از پلکان فرایندهای مذکور، دو امر رخ می‌دهد: هزینه‌های کشمکش افزایش می‌یابد یا کنترل کاهش می‌یابد (Ibid, 111-112). این امور در شکل شماره یک ترسیم شده است.



شکل 1 مدل پلکان منافع/ حقوق/ قدرت فیشر

(Source: Furlong, 2005: 29)

بنابراین، در پژوهش حاضر کوشش شده است براساس این سه مفهوم محوری، منابع و اسناد تاریخی درمورد کشمکش خلع سلاح مجاهدین بازخوانی شود. همچنین، به منظور سازمان‌یافتگی مطالعه، از روش تحلیل فازی استفاده شده است. در ادامه، به معرفی اصول روش تحلیل فازی پرداخته می‌شود.

3. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش مبتنی بر جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری است؛ راهبردی که اسکاچپول چنین ویژگی‌هایی را برای آن برشمرده است:

جدول 1 ویژگی‌های راهبرد جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری

راهبرد: کاربرد مفاهیم برای تفسیر تاریخ برای دستیابی به تاریخ اجتماعی معنادار
سؤال: بیشتر از چرایی بر چیستی تأکید می‌شود.
توجه: توصیف موارد خاص با پیچیدگی بسیار زیاد/ جهت‌گیری، نیت و مقاصد فرهنگی بازیگران فردی یا گروهی/ زمینه‌های فرهنگی و نهادی اعمال آن‌ها
تعمیم: پرهیز از تعمیم جهان‌شمول/ علاقه‌مند به تبیین‌هایی شامل بیش از یک مورد واحد نیستند/ شکاک به آزمون تعمیم‌های علی درباره ساختارها و الگوهای تغییر بزرگ‌دامنه و کلان
نقد: سهل‌انگاری در بحث و استدلال‌های تبیینی «معتبر» درحالی که در این راهبرد روایت‌های توصیفی به‌طور ضمنی بر روابط علی دلالت دارد.

(منبع: اسکاچپول، 1388)

اغلب، چنین تحقیقاتی از این نظر نقد می‌شوند که آن‌ها را استعاره بیش از نظریه هدایت می‌کند. استعاره نیز به جزئیات و تفرد یک مورد واحد توجه می‌کند و به نظریه آزمون‌پذیر منتهی نمی‌شود (همان‌جا). از این رو، در این پژوهش کوشش شده است مفاهیم بر مبنای یک مدل نظری دقیق صورت‌بندی شود؛ همچنین واقعه مورد نظر به صورت سازمان‌یافته و روشن بنابر روش تحلیل فازی بازخوانی شود؛ روشی که نتایج آن با گسترش موارد می‌تواند در مطالعات میان‌موردی نیز به کار رود. به بیان دیگر، این روش تفاسیر جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری را در خدمت جامعه‌شناسی تاریخی تحلیلی نیز قرار می‌دهد.

روش تحلیل فازی یکی از کاربردهای روش تحلیل تطبیقی کیفی فازی (FsQCA) است. این روش نیز در چارچوب روش‌شناسی تنوع‌محور¹⁰ یا تحلیل تطبیقی کیفی (QCA) چارلز راگین¹¹ تعریف می‌شود. این روش ظرفیت‌های ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که راگین ادعا می‌کند این روش‌شناسی راهی میانه بین دو روش‌شناسی پیشین است و به گونه‌ای پرداخته شده که «از بعضی محدودیت‌های پژوهش کیفی و کمی متعارف فراتر می‌رود» (Ragin, 2000 & 2008). همچنین، روش راگین با روش‌های ترکیبی تفاوت دارد. روش‌های ترکیبی معمولاً یک روش را به نفع روش دیگر تقلیل، و روش‌های کمی و کیفی را سازش می‌دهند. در مقابل، راگین راهی میانه برای سنتز ویژگی‌های نقیض این دو روش عرضه می‌کند.

درواقع، اگر کلید روش‌شناسی کیفی را عمق و پیچیدگی، و کلید روش‌شناسی کمی را وسعت و تعمیم در نظر بگیریم، راگین تنوع را به عنوان سنتز آن دو خصیصه و کلید روش‌شناسی خود معرفی می‌کند. در تنوع، پدیده‌ها و مفاهیم به عنوان گونه و نوع در نظر گرفته می‌شوند. هر نوع به یک پیکربندی یا هیئتی¹² از ابعاد اشاره می‌کند. بر اساس این، مفاهیم در قالب انواعی عام فرض می‌شوند. در حالی که در کلیت هر مورد، ابعاد گوناگون آن مفهوم عام به صورت‌هایی ویژه و با پیچیدگی خاصی ترکیب می‌شوند و بر این مبنا، موارد و جمعیت‌ها از یکدیگر تفکیک می‌شوند. بنابراین، تنوع در میان‌راهی بین مطالعه الگوهای عام میان تمام موارد از سویی و توجه به موارد خاص از سویی دیگر قرار می‌گیرد (Ragin, 2000). همچنین، روش‌شناسی راگین ابزارهای متفاوتی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد که در زمینه‌های اکتشاف، خلاصه‌سازی داده‌ها، آزمون فرضیات و حتی نظریه‌پردازی به کار می‌رود (Rihoux & Ragin, 2009). با این

حال، پژوهش حاضر براساس رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری و نوع سؤال خود از ابزارهای اکتشاف این روش بهره می‌برد. در این حالت، داده‌های کیفی و منابع تاریخی برمبنای رویکرد پیکربندی و دیدگاهی کل‌گرا¹³ در قالب مجموعه‌هایی فازی مطالعه می‌شود. در جدول شماره دو خلاصه‌ای از اصول رویکرد پیکربندی راگین آمده است.

جدول 2 اصول رویکرد پیکربندی

برمبنای دیدگاه کل‌گرا	اصول رویکرد پیکربندی
هر مفهوم و موردی یک پیکربندی واحد است.	
فهم و تعریف هر بخش و بعد از یک مورد، در ربط با یکدیگر و در بستر کلیت آن مورد.	
فرض: تغییر در یک بعد مهم از یک مورد به‌صورت بالقوه ویژگی‌های آن مورد را به‌عنوان یک کلیت دگرگون می‌کند.	

(Source: Ragin, 2000)

به‌لحاظ منطقی نیز، QCA برخلاف جبر خطی حاکم بر روش‌های آماری، براساس جبر بولی،¹⁴ جبر مجموعه‌ها صورت‌بندی می‌شود. این جبر براساس تحلیل مبتنی‌بر نظریه مجموعه¹⁵ به‌کار می‌رود. در این حالت، مقوله‌های اجتماعی در قالب مجموعه‌هایی واضح¹⁶ و موارد براساس داده‌های دوتایی - گذشته مطالعه می‌شود که در آن 1 به عضویت و 0 به عدم عضویت اشاره می‌کند. با این حال، راگین (2000) در روش FsQCA این مجموعه‌ها را برمبنای منطق فازی بسط می‌دهد. در مجموعه‌های فازی،¹⁷ نمره‌های عضویت جزئی بین 0 تا 1 جست‌وجو می‌شود و بنابر تعداد آن‌ها، مجموعه‌های فازی سه‌مقداری، چهارمقداری، پنج‌مقداری یا شش‌مقداری و... تعریف می‌شود. در این میان، مجموعه فازی سه‌مقداری ساده‌ترین حالت است که در آن بین نقاط 0 و 1 یک نقطه هم‌گذر (نقطه متقاطع)¹⁸ برابر با 0/5 وجود دارد. در این نقطه، حداکثر ابهام حاکم است و معلوم نیست که یک مورد بیشتر «درون» یک مجموعه یا بیشتر «بیرون» از آن است (Rihoux & Ragin, 2009).

درواقع، براساس منطق فازی، نگاه 0 و 1 به جهان رد می‌شود؛ چنان‌که از سوگیری‌های مفاهیم دوشقی پرهیز می‌شود و دیگر به‌سادگی نمی‌توان افراد را کاملاً خائن یا قهرمان نامید. ازاین‌رو، براساس منطق فازی، قضاوت بی‌طرفانه و پرهیز از برچسب‌زنی معمول تسهیل می‌شود؛ امری که اتحادیه به فقدان آن در تاریخ‌نگاری مشروطه اشاره کرده است: «انقلاب مشروطه تا امروز به‌صورت رویدادی ایدئال باقی مانده است و افرادی که با آن مربوط بودند، قهرمان یا خائن جلوه کرده‌اند و قضاوتی بی‌طرفانه هنوز در این موارد کمتر صورت گرفته است» (1361: 11).

ایده‌ی اساسی مجموعه‌های فازی مقیاس‌گذاری نمره‌های عضویت است. به این ترتیب که سه نقطه‌ی انقطاع 0، 1 و 0/5 در نظر گرفته می‌شود و عضویت‌های جزئی تعریف می‌شود. برای مثال، نمره‌های عضویت نزدیک به 1 (مانند 0/8 یا 0/9) عضویت قوی، اما نه واقعاً کامل در یک مجموعه هستند. از سوی دیگر، نمره‌های کمتر از 0/5، اما بزرگ‌تر از 0 (مانند 0/2 و 0/4) نشان می‌دهند که موضوعات مورد مطالعه بیش از آنکه درون مجموعه باشند، بیرون از مجموعه فازی مورد نظر هستند. درواقع، هنوز اعضای ضعیفی از یک مجموعه هستند (Rihoux & Ragin, 2009: 424). به این نوع مقیاس‌گذاری درجه‌بندی¹⁹ گفته می‌شود.

راه میانه FsQCA اساساً بر مبنای درجه‌بندی متغیرها محقق می‌شود. درجه‌بندی به فرایند طبقه‌بندی موارد در قالب مجموعه‌ها اشاره می‌کند (Ragin & Robinson, 2011). درجه‌بندی هم دقت رویکردهای کمی را نشان می‌دهد و هم مانند رویکردهای کیفی به دانش محتوایی تکیه می‌کند (Jackson, 2008). در این حالت، یک مجموعه فازی یک متغیر پیوسته است که در آن نقاط انقطاع کیفی براساس دانش نظری، محتوایی و تجربی تعریف می‌شود. براساس این نقاط، تنوع مربوط و نامربوط موارد نسبت به مفهوم و مجموعه مورد نظر مشخص می‌شود (Ibid, 134-135)؛ یعنی مقیاس‌گذاری در مجموعه‌های فازی متفاوت با متغیرهای فاصله‌ای یا نسبی است. در این حالت، سنجه‌هایی تعریف نمی‌شود که «جایگاه موارد را نسبت به یکدیگر» نشان دهد. درواقع، مجموعه‌های فازی براساس رده‌بندی پیش نمی‌رود؛ بلکه بر مبنای درجه‌بندی صورت‌بندی می‌شود (Ibid). در جدول زیر شیوه خاص درجه‌بندی در پژوهش‌های کیفی نشان داده شده است.

جدول 3 خصایص فرایند درجه‌بندی و مراحل درجه‌بندی داده‌های کیفی در پژوهش‌های مبتنی بر داده‌های کیفی

مراحل درجه‌بندی داده‌های کیفی	خصایص فرایند درجه‌بندی
تعریف نقاط 0 و 1 برای مفاهیم اصلی براساس دانش نظری، تجربی و محتوایی پژوهشگر در حد الگوهای آرمانی	این مسیر می‌تواند به هر دو صورت استقرایی و قیاسی پیش رود.
در این تعاریف، تمام ابعاد سازنده الگوی آرمانی مشخص می‌شود.	یک فرایند تفسیری و غیرمکانیکی
تعریف نقطه هم‌گذر (0/5) در صورت تسلط کافی پژوهشگر بر حوزه مطالعه، دانش نظری و تاریخی مورد نظر	تحلیل مجموعه‌های فازی بر مبنای دیالوگ بین دانش و وقایع و شواهد
کدگذاری کیفی باز ²⁰ منابع تاریخی در جست‌وجوی ابعاد سازنده مجموعه فازی مورد نظر	نمره‌های عضویت تا انتهای پژوهش قابل تغییر است و ثابت نیست.
بر مبنای ابعادی که در کدها شناسایی می‌شود، پژوهشگر با تکیه بر دانش نظری و تاریخی خود نمره عضویت فازی هر مورد را تخمین می‌زند. ²¹	براساس یک یافته یا الگوی غیرعادی می‌توان در ارزیابی نمره‌های فازی تجدیدنظر کرد.

(Source: Ragin, 2000)

به این ترتیب، در این پژوهش ابتدا وقایع و شرایط حاکم بر دوران مشروطه مطالعه شده؛ سپس مجموعه فازی مورد نظر بر مبنای این دانش تاریخی و دانش نظری پیشین به‌صورتی دقیق‌تر درک و تعریف شده است. بنابراین، در این کشمکش مجموعه فازی «عاملان متکی‌بر شیوه‌های حل اختلاف به‌شدت هزینه‌بر» به‌عنوان مفهوم محوری بر ساخته شده است. این مجموعه براساس رویکرد پیکربندی تدوین شده است؛ بر مبنای این مفروض که هیچ‌یک از فرایندها به‌صورت کامل و یکدست محقق نمی‌شود و همواره کنشگران براساس ترکیبی از فرایندها به اختلاف واکنش نشان می‌دهند. در این مجموعه چهار بعد مورد توجه قرار می‌گیرد: نوع فرایند و روش واکنش به اختلاف، حدودی که خصایص هر فرایند رعایت نشده، حدود کنترل طرفین بر کشمکش و فرایند مورد نظر و حدود هزینه‌ای که بر طرفین کشمکش و جامعه مورد نظر وارد شده است. براساس این، در جدول شماره چهار الگوهای آرمانی نقاط 0 و 1 مجموعه فازی مورد نظر مشخص شده است.

تحلیل فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب ... زهرا توللی و همکار

جدول 4 الگوهای آرمانی در نقاط 0 و 1 مجموعه فازی «عاملان متکی بر شیوه‌های حل اختلاف

به شدت هزینه‌بر»

الگوی آرمانی نقطه 1 با «کاملاً درون شیوه‌های حل اختلاف به شدت هزینه‌بر» ²²	نقطه 0 یا «کاملاً بیرون از شیوه‌های حل اختلاف به شدت هزینه‌بر»
واکنش به شدت خصمانه طرفین به یکدیگر	بر مبنای همکاری و وفاق منافع دو طرف به روشنی در نظر گرفته می‌شود.
کاربرد تمام منابع در اختیار برای بُرد	کاربرد روش‌های منفعت - بنیان مانند مذاکره
کمترین کنترل طرفین بر ماهیت، جهت‌گیری، مراحل و پیامد کشمکش و عمل یکدیگر	کنترل کامل طرفین بر کشمکش و مراحل مذاکره
تحمل بیشترین و متنوع‌ترین هزینه‌ها بر خود و کل جامعه پیرامون	هر دو بدون تحمیل هزینه‌ای بر دیگری، به اندازه کافی به منافع خود دست می‌یابند.

در این پژوهش نیز مجموعه فازی مورد نظر به صورت شش مقداری تخمین زده شده است. معنای لفظی نقاط این مجموعه در جدول شماره پنج مشاهده می‌شود.

جدول 5 مجموعه فازی شش مقداری

0	0/1	0/4	0/6	0/9	1	برچسب‌های زبانی (لفظی)
عدم عضویت کامل	«کم‌ویش بیرون»	«عمدتاً اما نه کاملاً درون»	«کم‌ویش درون» ²⁴	«عمدتاً اما نه کاملاً بیرون» ²³	عضویت کامل	نمره‌های عضویت

(Source: Rihoux & Ragin, 2009: 424)

در عمل نیز مواردی که شرایط، نگرش و اعمال طرفین به شدت مبهم است، پژوهشگر می‌تواند نقطه هم‌گذر برابر با 0/5 را هم در نظر گیرد و مجموعه را به هفت مقداری تبدیل کند. براساس این، کشمکش خلع سلاح مجاهدین بازخوانی شده است.

4. مطالعه و تحلیل فازی مراحل حل اختلاف در کشمکش خلع سلاح مجاهدین

پس از ترور آیت‌الله سیدعبداله بهبهانی، بازارها تعطیل شد، مردم به جوش و خروش آمدند و سوءظن همگان به سوی مجاهدین به‌ویژه دموکرات‌ها جلب شد. در مجلس، سردار اسعد و

اعتدالیون از هرج و مرج و ناامنی‌های پس از قتل سیدعبداله شکایت می‌کردند. درمقابل، شیخ‌رضا دهخوارقانی، از نمایندگان دموکرات، چنین ادعا می‌کرد: «این طور وقایع امنیت مملکت را متزلزل نمی‌کند برای اینکه خیلی بزرگ‌تر از این حادثات بزرگ واقع شد ابداً امنیت مملکت را متزلزل نکرد [...]» (مذاکرات مجلس، 16 رجب 1328). باوجود این، اعتدالیون و سرداراسعد اجرای قانون ترک اسلحه مجاهدین را به‌عنوان وظیفه اولیه کابینه مستوفی‌الممالک اعلام کردند. در 28 رجب نیز سند اجرایی این قانون تنظیم و تصویب شد. در این قانون حقوق تمام مجاهدین ذی‌نفع و منافع برخی سران رعایت نشد و زمینه برای ناراضایتی فراهم آمد (ملک‌زاده، 1371). ازاین‌رو، فضا به‌تدریج به‌سوی خشونت پیش رفت.

درواقع، این تصمیم‌ها در شرایطی گرفته می‌شد که از یک‌سو، قتل سیدعبداله به دموکرات‌ها (حیدرخان و تقی‌زاده) نسبت داده می‌شد و از سوی دیگر، گفته می‌شد که ترورهای علیمحمدخان تربیت و سید عبدالرزاق توسط اعتدالیون و برای انتقام خون بهبهانی صورت گرفته بود؛ درنتیجه اجرای این قانون در این بحبوحه خطرناک به نیروهای نظامی هر دو طرف ضرر می‌زد. بنابراین، بین اعضای دو حزب بر سر چگونگی اجرای قانون ترک اسلحه کشمکش رخ داد.

درعمل، در این کشمکش سه طرف اصلی وجود داشت: در یک‌سو، دموکرات‌ها با سرداراسعد، بختیاری‌ها و پیرم‌خان متحد شدند؛ در سوی دیگر، از اعتدالیون سردارمحمیی و ضرغام‌السلطنه برای حفظ خود با یکدیگر همراه شدند؛ سردار و سالار ملی ناخواسته، با وجهه و اعتباری برجسته اما اطلاعی محدود درگیر این کشمکش شدند. همچنین، این کشمکش در بستر مداخلات دولت‌های روس و انگلیس به‌وجود آمده بود؛ در شرایطی که رشت، منجیل، تبریز و قزوین تقریباً به‌نوعی در اشغال روسیه بود. این دو دولت به‌خصوص روس، از زمان تصویب تا اجرای این قانون، به‌بهانه ناامنی، بر دولت ایران فشار می‌آوردند که مجاهدین پایتخت خلع سلاح شوند. با همین برنامه نیز سرداران ملی با اصرار روس‌ها به تهران فراخوانده شدند. همچنین، روس‌ها در پی مجاهدین قفقازی بودند که از خاک روس به ایران آمده و در صف مشروطه‌خواهان مجاهدت کرده بودند (ملک‌زاده، 1371؛ امیرخیزی، 2536).

در کوتاه‌مدت، از پی اقدامات طرفین، دموکرات‌ها و سرداراسعد کم‌وبیش برنده میدان شدند؛ اما درنهایت با تزلزل نیروهای نظامی مدافع و مجاهد در برابر قوای بیگانه، کل ایران به‌همراه همان نیروها بازنده شد. بااینکه این کشمکش سنگ‌بنای بسیاری از وقایع و مسائل مجلس دوم مشروطه

تحلیل فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب ... زهرا توللی و همکار

بود، به تصریح اتحادیه، «خلع سلاح مجاهدین و مسئله‌ای که آفرید، به‌طور دقیق مورد بررسی قرار نگرفته، برخی از نویسندگان این مسئله را توطئه‌ای علیه ستارخان تلقی کرده و برخی آن را اشتباه بزرگی محسوب داشته‌اند» (1361: 274). از این رو، در این پژوهش سعی شده است به‌صورتی دقیق‌تر، روابط و مراحل واکنش به کشمکش و فرایندهای حل اختلاف طرفین مطالعه و بازخوانی شود. از این راه روشن می‌شود که در شیوه‌های حل اختلاف و تصمیم‌گیری طرفین چه وضعی وجود داشت که زمینه‌پیشبرد اهداف بیگانگان را فراهم کرد.

4-1. اولین مرحله واکنش به کشمکش

در 28 رجب 1328 جلسه‌ای با حضور اعضای دولت، نمایندگان مجلس و هشت نفر از سران مجاهدین برای تصمیم‌گیری درمورد اجرای قانون ترک اسلحه تشکیل شد. در این جلسه، به‌طور رسمی نماینده‌ای از مجاهدین دموکرات حاضر نبود. باوجود این، سردار اسعد از اواخر دوران کابینه سپهدار اعظم به دموکرات‌ها متمایل شده بود. از این رو، سردار اسعد همراه وکلای دموکرات طرف دموکرات مذاکره را تشکیل می‌دادند. در نهایت حاضران از راه مذاکره به توافق رسیدند. اجرای قانون نیز با پذیرش سوگندنامه‌ای تضمین شد که همگی با قسم به کلام‌الله آن را پذیرفتند. براساس این، سرداران برای حفظ منفعت ملی، استقلال و امنیت مملکت توافق کردند که از منافع شخصی بپرهیزند و به دولت در اجرای صحیح قانون کمک کنند (امیرخیزی، 2536). آن سوگندنامه شامل مفاد زیر می‌شد:

1. عفو و اغماض از آنچه پیش از این در بین خودمان بوده و گذشته است.
2. مساعدت با دولت مشروطه و در صورت لزوم، در رفع مواد فساد و اطاعت از قوانین موضوعه مملکت.
3. تمکین از احکام دولتی در نزع اسلحه از دست کسانی که اجازه حمل اسلحه ندارند.
4. موافقت و یک‌جهتی فی‌مابین سرداران و رؤسای ملی [...] سپهدار اعظم، صمصام‌السلطنه، سردار اسعد، باقرخان، سردار محیی، ضرغام‌السلطنه، سردار محتشم و ستارخان [سوگندنامه را امضا کردند] (همان، 617).

براساس این قانون، دولت برای اعمال قانون توان و نظارت بسیاری می‌یافت. باوجود این، این توافق براساس یک معیار منسجم و منصفانه حاصل نشد؛ چون سران مجاهدین به حقوق تمام مجاهدین ذی‌نفع از جمله صاحبان اسلحه دولتی و مجاهدین قفقازی پرداختند:

برطبق قانون مذکور، مجاهدینی که از خود اسلحه داشتند، دولت مکلف بود پول اسلحه را به آنها نقداً بپردازد؛ ولی کسانی که تفنگ دولتی در دست داشتند، از دریافت قیمت آن محروم بودند. [چنین] مجاهدینی [...] می‌گفتند این تفنگ‌ها را ما در میدان جنگ از دشمن گرفته‌ایم و باید دولت پول آن را به ما بدهد؛ ولی دولت از پرداخت پول برای خرید اسلحه‌ای که متعلق به خودش می‌دانست امتناع داشت (ملک‌زاده، 1371: 1346).

نزدیک به سیصد نفر از این مجاهدین گرجی و قفقازی بودند و جرئت مراجعه به وطن خود را نداشتند و دولت روس نسبت به آنها بی‌نهایت خشمگین بود و اگر به آنها دست می‌یافت، بی‌رحمانه آنها را ازمیان می‌برد (همان: 1350).

همچنین، مجاهدین حقوق معوقه زیادی داشتند که دولت به‌علت مشکلات مالی نمی‌توانست آنها بپردازد و فقط می‌خواست با مبلغ ناچیزی آنان را مرخص (خلع سلاح) کند. این امر با شرایط زندگی مجاهدین اصلاً هماهنگی نداشت و منصفانه نبود. درواقع، اعضای جلسه مذکور هیچ جای‌گزین²⁵ رضایت‌بخشی برای زندگی نظامی مجاهدین تعریف نکردند. ازاین‌رو، چنین قانونی هزینه سنگینی بر زندگی مجاهدین وارد می‌کرد و موجب نارضایتی زیاد آنان می‌شد:

[مجاهدین] نزدیک دو سال بود کسب‌وکار خود را از دست داده و سرمایه خود را در راه مشروطیت فدا کرده بودند و سرمایه و وسیله برای کار نداشتند. به‌علاوه بزرگ‌ترین مصیبت [...] این بود که اعیان و ثروتمندان و ادارات دولتی و تجارتخانه‌ها و مؤسسات و اشخاص محتاط همین‌که می‌فهمیدند این‌ها مجاهد بوده و با تفنگ و بمب سروکار داشته‌اند، برای کاری به آنها رجوع نمی‌کردند و آنها را همچون جزامی از خود می‌رانند (همان، 1346).

از سوی دیگر، سران مجاهدین قدرت و احترام مبتنی بر نیروهای خود را از دست داده بودند. درواقع، اکثر آنان با تکیه بر نیروهای مسلح خود به وجهه و جایگاه اجتماعی و سیاسی دست‌یافته بودند؛ ازاین‌رو به‌سادگی چنین هزینه‌ای را نمی‌پذیرفتند:

بعضی از رؤسای مجاهدین که ریاست و نفوذشان به‌واسطه عده‌ای مجاهد مسلح بود که گرد خود داشتند و هرگاه آن مجاهدین خلع سلاح می‌شدند، دیگر قدرت و نیرویی برایشان باقی نمی‌ماند مایل به خلع سلاح مجاهدین نبودند و آنها را به پایداری و مقاومت تحریک می‌کردند (همان‌جا).

به‌علاوه، سوگند مجاهدین برای حفظ منفعت ملی بود؛ درحالی که اجرای قانون به نیروهایی واگذار شد که به سرداراسعد متمایل بودند. چنان‌که به‌نظر می‌رسید، براین‌د این راه‌حل بیشتر به

تحلیل فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب ... زهرا توللی و همکار

قدرت سردار اسعد می‌انجامید؛ به‌ویژه که جایگاه و سهمی از قدرت و نفوذ برای طرف‌های دیگر فرض نشده بود. بنابراین، تبعات اجرای این قانون برای سران اعتدالی (سردارمحمیی و ضرغام‌السلطنه) خطری جدی بود. البته، سردار و سالار ملی احترام و وجهه‌ای داشتند که صرفاً وابسته به نیروی مسلح ایشان نبود. از این رو، آنان بنابر منش خویش تا هنگامی که می‌توانستند، بر سوگند خود پای‌بند بودند.

به‌طور کلی، در این مرحله طرفین به‌دلیل رعایت نکردن خصایص مذاکره در یک دولت انقلابی، زمینه هزینه‌زایی را به‌وجود آوردند؛ هرچند هنوز به‌واسطه توافق مسئولان و عرف حاکم، ظرفیت کنترل بسیاری وجود داشت. در جدول شماره شش به‌صورت دقیق‌تر، ابعاد شیوه حل اختلاف این مرحله ترسیم و درنهایت نتیجه گرفته شده است که طرفین در نقطه 0/4 مجموعه فازی مورد نظر عمل می‌کردند. به بیان دیگر، این مرحله کم‌وبیش بیرون از فرایندهای به‌شدت هزینه‌بر حل اختلاف بود.

جدول 6 تخمین نمره‌های عضویت مجموعه فازی «اعمالن متکی بر شیوه‌های حل اختلاف به‌شدت هزینه‌بر»
براساس بازشکافی ابعاد شیوه‌های حل اختلاف طرفین در مرحله اول واکنش به کشمکش خلع سلاح

مجاهدین

ردیف	تاریخ	رویداد	ملاحظات	حدود رعایت نکردن خصایص فرایند	حدود هزینه	حدود کنترل
1	0/4	مذاکرات حقوقی	فقدان یک معیار منسجم و منصفانه در تنظیم مذاکرات و قانون	تعیین نکردن جای‌گزین برای معیشت و زندگی نظامی مجاهدین و سران آنان	افزایش کنترل دولت بر اجرای قانون بر مبنای وفاق قانونی	
				نارضایتی زیاد مجاهدین	وجود ظرفیت چانه‌زنی غیررسمی مجاهدین با کمک بزرگان	
			بی‌توجهی به حقوق و منافع تمام طرفین ذی‌نفع	توزیع ناموزون، متمرکز و نابجای منابع قدرت	تسهیل کاهش فشار دولت‌های روس و انگلیس	

تجمع مجاهدین در پارک اتابک: در پی این توافق تزلزل‌پذیر و غیرمنصفانه، مجاهدین از پذیرش قانون سرپیچی کردند. دسته‌های سردارمحبی و ضرغام‌السلطنه و مجاهدین دیگری در پارک اتابک جمع شدند و با پناه به سردار ملی به قانون معترض شدند. در این میان، دو اقدام قدرت - بنیان توسط دولت دموکرات و دو سردار اعتدالی (سردارمحبی و ضرغام‌السلطنه) انجام شد که اعتماد مجاهدین را خدشه‌دار کرد و در نتیجه آن، هیجان مضاعفی بر فضای تجمع مجاهدین حاکم شد. درواقع، هر عملی آستانه تحمل آنان را به‌حدی کاهش می‌داد که با کوچک‌ترین کلام و اقدامی، آمادگی واکنش‌های شدید هیجانی را داشتند. در زیر دو اقدام مذکور تشریح می‌شود:

4-2. دومین مرحله واکنش به کشمکش (ازسوی دموکرات‌ها)

توافق 28 رجب مسئولیت اجرای قانون را به دولت دموکرات واگذار کرد. درعمل، اجرای قانون به پیرم‌خان، رئیس نظمیه، و سرداربهادر بختیاری واگذار شد. در این شرایط، نه تنها سرداراسعد قدرت خاصی می‌یافت؛ بلکه به‌دلیل سوگیری سران دولتی به سران اعتدالی، از اجرای منصفانه قانون جلوگیری می‌شد:

دولت نخواست این قانون را دادگرانه به‌کار بندد و چون خود مستوفی رئیس‌الوزرا و بیشتر وزیران از دسته انقلابی بودند و [...] کینه چهار تن سردار را (ستارخان و باقرخان و ضرغام‌السلطنه و معزالسلطان) در دل داشتند. همچنین سرداراسعد که در همه کارها دست داشت، از این چهار تن سخت خشمناک بود. به‌ویژه از ستارخان که ازبس خشمناک بود زبان خود را نگه نمی‌توانست داشت. همچنین فرمانفرما از ستارخان دل‌آزردگی داشت، یفرم‌خان هم [...] که نیروی بزرگی را در دست داشت، او نیز با ستارخان و معزالسلطان از در دشمنی بود. این کینه‌ها نگذاشت قانون را دادگرانه روان گردانند (کسروی، 2535: 134-136).

براساس توافق پیشین، سران پذیرفته بودند که موقتی، به این اشخاص قدرت اجرای قانون اعطا شود؛ اما نیروهای دولتی در نخستین گام با سوگیری از حق و قدرت در اختیار خویش، به‌نفع حزب هم‌پیمان خود بهره بردند. درواقع، آنان دسته مجاهدین دموکرات را به‌صورت صوری وارد سپاه دولتی کردند: «انقلابیان برآن شدند که بستگان خود را نگاه دارند [...]»

تحلیل فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب ... زهرا توللی و همکار

حیدرعمواوغلی و دسته‌های او و دیگر هواداران انقلابیان را از یک‌سو تفنگ از دستشان گرفتند و از یک‌سو در شمار سپاهیان گرفته دوباره تفنگ دادند» (همان، 136).

این امر موجب استیصال و بی‌اعتمادی ستارخان و نارضایتی و بی‌اعتمادی زیاد مجاهدین به قانون و مجریان آن شد. حتی برای مجاهدین بهانه‌ای واقعی برای گریز از قانون و تحویل اسلحه تبدیل شد (همان جا): به گونه‌ای مجاهدین مذاکره با صاحب‌منصبان را نمی‌پذیرفتند؛ سردار ملی و سالار ملی با کمک شیخ اسمعیل هشتروندی و معین‌الرعیایا و معتمدالتجار سعی کردند تا مجاهدین را آرام سازند [...] حتی [...] وزیر پست و تلگراف و حاج سیدنصراله اخوی که از طرف دولت و مجلس برای اقناع مجاهدین به پارک آمده بودند، اعتنایی نکردند و [...] به تبعیضی که دولت در اجرای قانون منع حمل اسلحه روا داشته و از گرفتن اسلحه هواداران پیرم‌خان و حیدرعمواوغلی و سرداراسعد خودداری نموده بود اعتراض نمودند (مروارید، 1377: 246).

«چنین پیداست که دسته‌بندی یفرم‌خان و سرداراسعد و حیدرخان‌عمواوغلی و بیدادگری دولت که از این دسته تفنگ را نگرفت بر ستارخان و باقرخان ناگوار افتاده و در این هنگام ایشان را دودل ساخته بوده [...]» (کسروی، 138: 2535).

«ستارخان و باقرخان نیز از این پیمان‌شکنی یاران قدیم و رقبای کنونی خود و رفتار دولت ناراضی بودند» (مروارید، 1377: 246).

بدین ترتیب، با این اقدام فضا بیش از پیش به‌سوی خون‌ریزی و جنگ سوق می‌یافت؛ زیرا دسته حیدرخان به اعتدالبون خصومتی فراتر از یک کینه قومیتی داشتند و ایشان را عاملان ترور علیمحمدخان تربیت می‌دانستند و در پی موقعیتی تلافی‌جویانه بودند:

در سایه خون‌ریزی که رو داده و علیمحمدخان کشته شده بود، دسته حیدرخان‌عمواوغلی به این خرسندی نداشتند که دسته مجاهدان چهار تن را تنها از ابزار جنگ لخت کنند و [...] می‌کوشیدند کار به زدوخورد رسانیده، گزندی نیز به خود آنان برسانند (کسروی، 136: 2535).

به‌طور کلی، در این اقدام نیروهای دولتی و دموکرات‌ها، فرایندهای حقوق و قدرت‌محور هم‌پوشانی یافتند. از این‌رو، در جدول شماره هفت بنابر حدودی که فرایند حقوق‌محور رعایت

نشده، در کنار دیگر ابعاد مورد نظر روشن شده است که آنان در نقطه 0/6 مجموعه فازی مورد نظر، کم‌وبیش با یک فرایند به‌شدت هزینه‌بری به کشمکش واکنش نشان دادند.

جدول 7 تخمین نمره‌های عضویت مجموعه فازی «عاملان متکی بر شیوه‌های حل اختلاف به‌شدت هزینه‌بر» براساس بازشکافی ابعاد شیوه‌های حل اختلاف طرفین در مرحله دوم واکنش به کشمکش خلع سلاح مجاهدین

ردیف	تخمین نمره فازی	روش	فرایندهای حل اختلاف	حدود رعایت نکردن خصایص فرایند اصلی	حدود هزینه	حدود کنترل
2	0/6	سوءاستفاده از اقتدار قانونی یا خودیاری	کم‌وبیش بیرون از فرایندهای حقوق-بنیان	عدم پای‌بندی به توافقات قانونی پیشین تصمیم‌گیری یک‌جانبه در چارچوب قانون	ضربه جدی به اعتماد میان طرفین	کاهش کنترل قانونی بر نیروهای دولتی به‌واسطه تسلط کینه‌جویی و تلافی‌جویی بر نیروها
			کم‌وبیش درون فرایندهای قدرت-بنیان	اجرای غیرمصفاهانه قانون	هدایت بیشتر کشمکش به‌سوی تخصص	کاهش کنترل بر مجاهدین به‌واسطه تشدید فضای هیجانی

4-3. سومین واکنش به کشمکش (از سوی اعتدالیون)

از میان سران اعتدالی، سردارمحمیی و ضرغام‌السلطنه به‌دلیل توزیع نامناسب منابع به‌نفع سرداراسعد و تهدید جایگاه خود، چندان به اجرای قانون رضایت نداشتند. ازاین‌رو، هنگامی‌که ستارخان در پارک نبود، آنان همراه نیروهای خود به پارک پناه بردند و درنهایت نیز شرایط کشمکش را غیر قابل حل یافتند و بدون اطلاع سرداران ملی از پارک گریختند. سردارمحمیی به سفارت عثمانی و ضرغام‌السلطنه با همراهانی به حرم عبدالعظیم پناه بردند. به بیان دیگر، آنان از عرف حقوقی موجود بهره بردند که به پناهندگان سفارت‌خانه‌ها و حرم‌های مذهبی امنیت می‌بخشید. بدین ترتیب، نه‌تنها سرداران ملی را درگیر این کشمکش کردند؛ بلکه آن‌ها را در میان جمعیتی هیجانی و قشونی بی‌نظم تنها گذاشتند.

حتی وقایعی رخ داد که این فرض را به وجود می‌آورد که شاید اساساً بخش بزرگی از وقایع پارک اتابک از دسیسه‌ای برخاسته است که عاملان آن، همان یاران و هم‌پیمانان اعتدالی بودند؛ چنان‌که ستارخان بلافاصله پس از جلسه 28 رجب برای خلع سلاح نیروهای خود اقدام کرد و سپس به دعوت خسروخان - که به تازگی به مشروطه‌خواهان پیوسته بود - به مهرآباد رفت. در همان زمان، دسته‌های آن دو سردار اعتدالی در پارک اتابک جمع شدند؛ درحالی که اطرافیان ستارخان می‌کوشیدند وی درگیر این مسئله نشود. امیرخیزی روایت می‌کند: «آقای یکانی می‌گوید: بدریان و دیگران سفارش کردیم جای سردار را به مجاهدان آگاهی ندهند تا پی او نروند» (622:2536). با این حال، شخصی به نام خلیل خان به نحوی از حضور وی در مهرآباد آگاه شد و ستارخان را به واسطه روابط نزدیکش به پارک بازگرداند. همچنین، آنان زمانی از پارک گریختند که می‌توانستند به عنوان سران اصلی و تکیه‌گاه مجاهدین و به علت سابقه اعتماد و اطاعت‌پذیری، آنان را مدیریت کنند. با وجود این، آنان فقط به خود کمک کردند:

معزالسلطان و ضرغام‌السلطنه کار را سخت دیده هر دو برآن شدند که بگریزند و جان به‌دربرند. معزالسلطان با مشهدی‌صادق‌نامی به شمیران شتافته در سفارت عثمانی بست نشست. ضرغام‌السلطنه با چند تنی از تهران بیرون رفته به شاه عبدالعظیم پناه برد (کسروی، 139:2535). واقعه دیگری نیز رخ داد که رنگ دسیسه داشت. زمانی که مجاهدین با رضایت از نتایج مذاکرات نماینده سردار ملی، اسلحه‌های خود را پس می‌دادند، دو تن از کارکنان سفارت عثمانی به نام جمیل‌بیک و جمال‌بیک سخنانی گفتند که مجاهدین را تهییج کرد و از پی‌گیری خلع سلاح بازداشت. این حادثه درست زمانی رخ داد که سردار محیی در سفارت عثمانی پناهنده شده بود. کسروی به ارتباط سردار محیی و آن دو تبعه عثمانی اشاره کرده است: «دانسته نیست اینان را که به اینجا فرستاد و خود چه می‌خواستند. اگر بگوییم معزالسلطان ایشان را فرستاد باید یقین کنیم که معزالسلطان با دشمنان ستارخان همدست و به خون او تشنه بوده» (همان، 140).

به هر حال، این امر روشن نیست و نمی‌توان در این مورد قضاوت کرد. با وجود این، اگر فقط گریز نابجای سردار محیی و ضرغام‌السلطنه در نظر گرفته شود، این دو ائتلاف پیشین خود را با سرداران ملی به صورت یک‌جانبه با هدف خودیاری شکستند. در این شرایط بغرنج، چنین اقدامی هزینه سنگینی بر روحیه مجاهدین و ظرفیت کنترل آنان وارد آورد؛ چنان‌که مجاهدین به کوچک‌ترین بهانه برمی‌آشفتمند و برای تخاصم آمادگی داشتند. در جدول شماره هشت خصایص شیوه قدرت - بنیان این مرحله مورد توجه قرار گرفته و روشن شده است که آنان در نقطه 0/9 از

مجموعه فازی مورد نظر، «عمدتاً اما نه کاملاً درون فرایندهای قدرت - بنیان و به شدت هزینه‌بر» عمل کرده‌اند.

جدول 8 تخمین نمره‌های عضویت مجموعه فازی «اعمالان متکی بر شیوه‌های حل اختلاف به شدت هزینه‌بر» براساس باز شکافی ابعاد شیوه‌های حل اختلاف طرفین در مرحله سوم واکنش به کشمکش خلع سلاح مجاهدین

ردیف	مجموعه فازی	روش	فرایندهای حل اختلاف	خصایص فرایند قدرت‌محور به کاررفته	حدود هزینه	حدود کنترل
3	0/9	شکست یک‌جانبه اتلاف با سرداران ملی / تصمیم‌گیری یک‌جانبه / خودیاری	عمدتاً اما نه کاملاً درون فرایندهای قدرت - بنیان	کاربرد منابع و روابط در اختیار جهت حفظ خود و نیروهای خود بدون دخالت مستقیم در درگیری	گریز از مسئولیت هدایت و مدیریت مجاهدین تشویش و بی‌اعتمادی مجاهدین تا مرز آستانه تحمل	بلا تکنیکی و تنهایی سرداران ملی برای کنترل مجاهدین

4-4. چهارمین واکنش به کشمکش (از سوی سردار و سالار ملی)

در این شرایط، سرداران ملی مستأصل شده بودند؛ اما به پیشنهاد اطرافیان خود، برای گریز از درگیری، مذاکره با دولت را انتخاب کردند. بدین منظور تصمیم گرفتند بر مبنای تقاضاهای مجاهدین مذاکره کنند:

سردار و سالار بدون درنگ چند نفر از [مجاهدین] را خواستند، فرمودند آقایان حرف حسابی شما چیست و از دولت چه می‌خواهید؟ پس از جروبحث زیاد درخواست ایشان دو چیز بود: یکی آنکه قیمتی برای حقوق عقب‌افتاده‌شان بپردازند. [دیگری، اسلحه‌ها را با قیمت بیشتری معاوضه کنند] به سردار گفتم بفرمایید آقایان این دو تقاضای خود را نوشته به شما تسلیم کنند (امیرخیزی، 2536: 629).

امیرخیزی به نمایندگی از سرداران ملی به عمارت گلستان رفت. در مذاکره، جز حقوق و منافع مجاهدین، از منافع سرداران ملی نیز سخن گفت. توافقات با این تأکیدات پیش رفت که سردار از این اقدام مجاهدین بی‌خبر بوده و در مورد مجاهدین نیز «حقیقتاً تقویم دولت عادلانه نبوده است» (همان، 631). براساس این، هیئت دولت نیز ضمانت کرد که حقوق معوقه آنان را تا پنجشنبه کامل

تحلیل فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب ... زهرا توللی و همکار

ادا کند و اسلحه‌ها را با قیمت بالاتری تعویض کند. همچنین، توافق کردند که سواران سرداران ملی به‌عنوان سواران دولتی به‌شمار آیند (همان‌جا). در آغاز، مجاهدین نتیجه مذاکره را پذیرفتند؛ اما گویی مذاکره دیگر در چنان فضای هیجان‌زده‌ای اثر نمی‌کرد:

هنوز پنج و شش تفنگ تحویل گرفته نشده بود که ناگه در خارج هیاهویی بلند شد [...] شخصی که فینه در سر دارد مردم را به مخالفت برمی‌انگیزد و می‌گوید چرا دولت برای تفنگ‌های سه‌تیر قیمت معین نکرده، گیرم که تفنگ‌های سه‌تیر متعلق به دولت است، ولی شما زحمتی کشیدید و کشته دادید باید به آن‌ها قیمت معین کنند و مجاهدین هم یکباره فریاد برآوردند. صدای تیری هم بلند شد، میرزا غفارخان و مرآةالسلطان هر دو به گمان اینکه جنگ شروع شد به‌زودی سوار درشکه شده، بیرون رفتند (همان، 632).

با اتمام مهلت وزارت جنگ نیز امیرخیزی فقط توانست مهلتی یک‌ساعته بگیرد؛ اما پس از آن، تمام راه‌های ارتباطی پارک بسته شد و جنگ میان نیروهای ایرانی درگرفت. بنابراین، این اقدام ستارخان و اطرافیان وی هرچند در چارچوب مذاکره رسمی رخ داد، در آن شرایط حساس به‌درستی و به‌جا به‌کار نرفت؛ اما نه کاملاً بیرون از فرایند منفعت - بنیان بود و همچون مرحله پیشین در نقطه 0/9 مجموعه فازی مورد نظر قرار گرفت. در جدول شماره نه ابعاد این اقدام بازشکافی شده است.

جدول 9 تخمین نمره‌های عضویت مجموعه فازی «اعمالان متکی بر شیوه‌های حل اختلاف به‌شدت هزینه‌بر» براساس بازشکافی ابعاد شیوه‌های حل اختلاف طرفین در مرحله چهارم واکنش به کشمکش خلع سلاح مجاهدین

مرحله	تخمین نمره عضویت مجموعه فازی	روش	فرایندهای حل اختلاف	حدود عدم رعایت خصایص فرایند	حدود هزینه	حدود کنترل
4	0/9	مذاکره - منفعت - بنیان	عمدتاً اما نه کاملاً بیرون از فرایند منفعت - بنیان	نپرداختن کامل به منافع و مسائل تمام گروه‌های مجاهدین نبود انعطاف‌پذیری لازم در بستر هیجانی موجود (مثل تعریف گزینه‌ای برای اصلاح توافقات یا مهلت زمانی بیشتر)	گذر مجاهدین از آستانه تحمل بهانه جلدی برای یورش نیروهای دولتی	امکان کنترل اندک بر نیروهای هر دو طرف

4-5. آخرین واکنش طرفین

سرانجام، شرایط مناسب برای آغاز درگیری فراهم شد. از این پس نیروهای دولتی به دلیل واکنش‌های مجاهدین می‌توانستند اقدامات و هجوم خود را توجیه کنند؛ از این رو آنان دیگر به سرداران فرصت مذاکره ندادند و راه‌های ارتباطی را قطع کردند و در نهایت، جنگ آغاز شد (کسروی، 2535: 143-144). جمعیت نیروهای دولتی و ادوات نظامی آن‌چنان زیاد بود که گویی مجاهدین بیگانگانی اشغالگر بودند. هریک از نویسندگان به گونه‌ای قشون دولتی را توصیف کرده‌اند:

بعد از ظهر اول شعبان قوای دولتی مرکب از 1000 نفر بختیاری به ریاست سردار بهادر، 500 نفر مجاهد ارمنی و مسلمان به فرمان‌دهی پیرم‌خان و چند فوج که در تهران بودند با چند عراده توپ پارک اتابک را محاصره کردند و عمارات اطراف را که به پارک مسلط بود سنگر نمودند و با توپ و تفنگ و نارنجک به پارک اتابک حمله بردند (ملک‌زاده، 1371: 1351).

قوای دولتی اعم از سوار و پیاده و دسته پیرم‌خان بیش از دوهزار نفر بودند و برخی از مجاهدین نیز مانند [دسته] حیدرخان عمواغلی و مرحوم حسن علی‌زاده و جمع دیگری نیز با قوای دولتی همکاری می‌کردند [...] عده مجاهدین گویا کمتر از سیصد تن بود و شاید بیش از یکصد نفر هم مردم بازاری و متفرقه بی‌سلاح در میان مجاهدین بودند (امیرخیزی، 2536: 634).

سرداران ملی وارد جنگ نشدند. فقط ستارخان برای مدت کوتاهی اسلحه به دست گرفت و به طرز مشکوکی به وی سوء قصد شد:

خود سردار را عقیده بر این بود که مرا یکی از کسان خود من زد و اسم او را هم می‌گفت [...] دلیلش هم این بود که می‌گفت آنجا که من تیر خوردم محلی نبود که در معرض تیر واقع شود، در میان راهروی که یک روزنه هم نداشت تیری از خارج محال بود که بدانجا برسد (همان، 646).

این واقعه از ضعف کنترل در چنین موقعیتی برمی‌خاست. درواقع هرج و مرج چنان بود که طرفین فقط به حد قدرت خود، بر کشمکش کنترل داشتند. در این شرایط، مجاهدین و مدافعان دیروز مملکت سرکوب شدند. سردار و سالار ملی و نیروهای ایشان به شدت آسیب دیدند.

تحلیل فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب ... زهرا توللی و همکار

درواقع، هرج و مرج پارک اتابک کاری کرد که روس‌ها و مستبدین نتوانستند مستقیماً به آن دست یابند. سردار ملی در پایتخت مشروطه ایران با گلوله‌ای از پای درآمد و پس از آن تا آخر عمر به سختی راه می‌رفت. بخشی از مجاهدین قفقازی نیز آسیب دیدند. این نتایج و هزینه‌ها با خواسته‌های دولت‌های روس و انگلیس، به‌ویژه روس همخوانی داشت. از این‌رو، به‌طور موقت دخالت‌های آنان محدود شد؛ اما مگر استبداد آرام می‌گیرد؟ چنان‌که روس‌ها هر روز به بهانه‌ای بر ایران فشار می‌آوردند و درنهایت، با اولتیماتوم مجلس منحل شد؛ این مسئله از ضعف نظامی دولت مشروطه برمی‌خاست؛ آنچه در پارک اتابک توسط خود ایرانیان روی داد و در آن شاید سهم بیگانه در برابر خودی اندک بود.

در آن زمان نیز هزینه‌ها به مجاهدین و اعتدالیون محدود نشد؛ بلکه میان اکثریت مجلس اجماعی برای تحدید قدرت مستوفی‌الممالک و سرداراسعد به‌وجود آمد؛ به‌حدی که در جریان انتخاب نایب‌السلطنه، اکثریت مجلس از نیابت مستوفی‌الممالک به‌عنوان شخص نزدیک سرداراسعد جلوگیری کردند. همچنین، وجههٔ پیرم‌خان نیز در میان مردم به‌شدت خسارت دید (کسروی، 1353: 144). مجاهدین نیز که امتیازات و راه‌حل حداقلی مذاکرات ستارخان را نپذیرفتند، به فقر و فلاکت دچار شدند:

عده‌ای از مجاهدین با کمال تأسف به گدایی و تکدی افتادند و عده‌ای برای به‌دست آوردن نان به کارهای ناپسندیده دست زدند جماعتی که به تهران آمده بودند که اعیان و اشراف و شاه‌زادگان را از میان ببرند برای اینکه از گرسنگی نمیرد به‌خدمت همان طبقه درآمدند و با تحمل طعن و لعن آنان امرار معاش می‌کردند (ملک‌زاده، 1371: 1354).

پس از مدتی [...] جماعتی به ماجراجویی پرداختند و درگوشهٔ محبس جان سپردند (همان، 1350).

به‌طور کلی، در کوتاه‌مدت نتیجهٔ برنده/بازنده به‌سود سرداراسعد و دموکرات‌ها حاصل شد؛ اما وقایع آتی نشان داد که تمام طرفین بازندهٔ میدان بودند. بنابراین، طرفین طبق جدول شمارهٔ ده کاملاً فرایند قدرت - بنیان و به‌شدت هزینه‌بری را اتخاذ کردند. پس، طرفین به‌تدریج از پنج نوع شیوه، شامل 0/4، 0/6، 0/9، 0/9 و 1 فرایند به‌شدت هزینه‌بر استفاده کردند.

جدول 10 تخمین نمره‌های عضویت مجموعه فازی «عاملان متکی بر شیوه‌های حل اختلاف به شدت هزینه‌بر» براساس بازشکافی ابعاد شیوه‌های حل اختلاف طرفین در مرحله پنجم واکنش به کشمکش خلع سلاح مجاهدین

مراحل نمره فازی مجموعه	تفکر روشن	فرآیندهای فراتر از اختلاف	تبدیل قدرت به توان	حدود هزینه	حدود کنترل
5	1	درگیری نظامی	«کاملاً قدرت - بیان»	هزینه‌های کوتاه‌مدت: - سرکوب و آسیب به ستارخان، نیروهای سرداران ملی، قفقازی و بخش‌هایی از دیگر دسته‌های مجاهد - آوارگی و فقر مجاهدین - تخریب وجهه پیرم‌خان در میان مردم - اجماع مسئولان برای تحدید قدرت سردار اسعد و مستوفی‌الممالک	فقدان کنترل قانونی بر نیروهای مجهز دولتی
				هزینه‌های بلندمدت: - وابستگی دولت انقلابی به بزرگان و نیروهای طرف مقابل - یختیاری به‌عنوان تنها گزینه برای بسیج قوای دفاعی - اجبار به انتصاب اشخاص ناشایست (در کابینه‌های بعدی) برای بسیج و تقویت قوای دفاعی کشور - فضا برای جولان دولت‌های بیگانه و درنهایت انحلال مجلس و اشغال کشور توسط روس	تسلط هرج و مرج و فقدان مدیریت بر نیروهای ضعیف مجاهدین

5. نتیجه

در مقاله حاضر بعد تصمیم‌گیری مشارکتی در مشروطیت از لحاظ نوع کنش و روابط مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس، پژوهش بر احزاب مجلس دوم متمرکز شد که حتی در نخستین گام تصمیم‌گیری یعنی «حل اختلاف» به‌سوی مذاکرات سازنده پیش نمی‌رفتند. از این رو، واقعه پارک اتابک به‌عنوان یکی از محوری‌ترین کشمکش‌های اولین تجربه تحزب در

ایران انتخاب شد. این واقعه در دورانی رخ داد که هرچند کشور در سطح کلان در اشغال بیگانه در شمال و آذربایجان و درگیر اغتشاشات خوانین بود، دولت مشروطه از حمایت مردمی برخوردار بود. در تبریز مردم در برابر روس‌ها صبر پیشه کردند تا بهانه‌ای برای اشغال کامل شهر به آنان ندهند. در زنجان مردم به همراهی میرزا صالح‌خان توانستند شاهزاده بهمن‌میرزا را بیرون کنند. در این میان نیز دولت توانسته بود آشوب‌های شاهسون‌ها و غارت‌گری‌های آستارا را سرکوب کند و بیش از پیش مردم را خشنود سازد (ملک‌زاده، 1371). در این شرایط، مردم ترجیح می‌دادند مسئله خلع سلاح با مذاکره و آرامش حل و فصل شود؛ چنان‌که بزرگان تهران برای این امر پیش‌قدم شدند؛ اما اعمال و تصمیمات نابجای مجریان قانون راه را بر آن‌ها سد کرد. بنابراین، این واقعه نمی‌توانست صرفاً حاصل فشارهای سطح کلان باشد؛ بلکه به نظر می‌رسد تصمیمات صاحب‌منصبان نقشی محوری در این واقعه داشته است. ازاین‌رو، پژوهش حاضر بر نوع کنش، روابط و تصمیمات طرفین اصلی متمرکز شد و این مسئله مطرح شد که چگونه و با چه ترکیبی طرفین در هر مرحله به منازعات موجود واکنش نشان دادند؛ به‌طوری که یک منازعه کلامی و قانونی به یک درگیری نظامی تبدیل شد. در جست‌وجوی پاسخ، در چارچوب جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری، منابع تاریخی مرتبط براساس مدل پلکان منافع/ حقوق/ قدرت فیشر و بنابر «روش تحلیل فازی» بازخوانی شد. پس از کدگذاری منابع تاریخی، نمره‌های عضویت مجموعه فازی «عاملان متکی‌بر شیوه‌های حل اختلاف به شدت هزینه‌بر» تخمین زده شد. همچنین، در هر مرحله روشن شد که از چه ترکیبی از فرایندهای حل اختلاف استفاده شده بود.

طرفین به تدریج از پنج نوع شیوه، شامل 0/4، 0/6، 0/9 و 1 فرایند به شدت هزینه‌بر استفاده کردند. این مراحل فاجعه‌آمیز به واسطه چندین ضعف اساسی در تصمیم‌گیری به وجود آمد. در موارد مذاکره «فقدان نگاه کل‌گرایانه» و «نبود اطلاعات کامل» مانع از طرح راه‌حل‌های جای‌گزین و سازنده شد. ازاین‌رو، آنان به تمام ابعاد سیستم و مسئله پیش‌روی خود پرداختند و کاستی‌ها و تهدیدها را در کنار ظرفیت‌های سودمند سیستم در نظر نگرفتند. برای مثال، مسئولان به سادگی می‌توانستند با فرض ظرفیت کشاورزی موجود، با چنین تدبیری مجاهدین را خلع سلاح کنند. به این شکل که آنان را در املاک نزدیک به تهران به کشاورزی یا دامداری بگمارند. مدتی نیز تا تسویه طلب آنان از دولت (برای حقوق معوقه و هزینه اسلحه‌ها) مالیاتی

اخذ نشود تا رضایت آنان جلب شود، در این حالت، آنان در چارچوب مشاغل دولتی منظم می‌شدند و امنیت پایتخت تأمین می‌شد. همچنین، چون آنان دیگر مجاهدینی علنی نبودند، احتمالاً فشار دولت‌های بیگانه کاهش می‌یافت. در نهایت، در موارد لزوم نیز می‌توانستند مجاهدین را برای دفاع بسیج کنند تا مملکت بی‌دفاع نشود.

از سوی دیگر، نگاه کل‌گرایانه به هر مسئله هشدار می‌دهد که کوچک‌ترین اغماض، ضعف یا تغییری در یک بعد می‌تواند به‌نحوی شاکله کلی جامعه را دگرگون کند و حتی به آن آسیبی جدی وارد سازد. در این مورد، مسئولان ضرورت نیروهای نظامی در یک دولت انقلابی را در نظر نگرفتند و به‌سرعت برای آن برنامه‌ریزی نکردند. در عمل، دولت را در کنار نیروهای نظامیه به یک نیرو، یعنی بختیاری‌ها وابسته کردند؛ قشونی که بیشتر صبغه قومیتی و ایلی بر اعمال آنان حاکم بود. همین امر باعث شد که چندی بعد در جریان تهدیدهای روس و غیاب سردار اسعد، مجلس مجبور شود برای جذب دوباره نیروهای بختیاری، صمصام‌السلطنه‌ای را به ریاست‌وزرایی انتخاب کند که شناخت خاصی از مشروطیت نداشت و به‌سبک ایلی حکومت را اداره می‌کرد.

به‌علاوه، آنان ظرفیت‌ها، نیازها و منویات معمول آدمی را در تصمیمات خود در نظر نمی‌گرفتند؛ چنان‌که انتظار داشتند سران دولتی و مجاهدین فقط برای منفعت ملی، اجرای دقیق قانون را بپذیرند؛ یعنی هم نیروهای دولتی از قدرت موقت خود سوءاستفاده نکنند و هم سران اعتدالی مجاهدین از جایگاه‌ها و قدرت متکی بر اسلحه خود بگذرند. درحالی که اساساً در یک دولت انقلابی غیرایدئولوژیک که اشخاص به‌تازگی به قدرت دست یافته‌اند، نمی‌توان از افراد و نیروها انتظار داشت که از خصومت پیشین، منفعت شخصی یا گروهی چشم‌پوشی کنند؛ چنان‌که هر دو طرف این تمایلات را در عمل نشان دادند. تقریباً فقط ستارخان به‌دلیل اعتقادات پیشین، بر سوگند خود پای‌بند بود. درواقع، توزیع ناموزون و متمرکز منابع فقط در فضای ایدئولوژیک فراگیر، منطقی است. در غیر این صورت، می‌تواند فضا را برای «سوءاستفاده» و «خودیاری» فراهم و تسهیل کند. چنین توزیع منابعی فقط در صورتی مناسب خواهد بود که بر اعمال و اذهان افراد یک نوع ایدئولوژی یا اعتقاد فراگیر به‌صورت درونی مسلط شود؛ به‌گونه‌ای که آنان را از چنین اعمالی بازدارد. البته، بنابر فرض خطاپذیری آدمی، چنین نظامی چندان ایمن و موجه نخواهد بود.

از سوی دیگر، قوانین درقبال مجاهدین نیز بر مبنای معیار منسجم و منصفانه‌ای نبود و تصمیمات مسئولان به دلیل «نبود نگاه کل‌گرایانه و درک شرایط» اصلاً با شرایط زندگی و شایستگی‌های مجاهدین همخوانی نداشت. آنان انتظار ایثار و اطاعت از افرادی داشتند که نه تنها به احترام و عزت شایسته فاتحان پایتخت استبداد دست نیافته بودند؛ بلکه حتی در تأمین نیازهای اولیه خود نیز در اضطراب بودند. بدین ترتیب، آنان با تصمیم نابجای خود حق را ناحق کردند.

این فقدان نگاه کل‌گرایانه و درک شرایط در مذاکرات نماینده ستارخان نیز مشهود بود. آنان نه اطلاعات کاملی وارد مذاکره کردند و نه شرایط هیجانی مجاهدین و خصومت‌جویی طرف مقابل را در نظر گرفتند. به همین ترتیب، نتوانستند تصمیمی انعطاف‌پذیر و خلاقانه بگیرند. از این رو، از همان ابتدا دست‌کم فرصتی برای تکمیل توافقات تعریف نکردند تا در صورت نارضایتی مجاهدین، مذاکرات در محیطی ایمن اصلاح شود.

از طرف دیگر، اقدام سردار محیی و ضرغام‌السلطنه در میانه کشمکش، به توزیع ناموزون منابع و بی‌توجهی به ظرفیت‌های معمول افراد در دولت‌های نوپا و غیرایده‌ئولوژیک مربوط می‌شد؛ اما به «اعتماد و ائتلاف نابجای سرداران ملی» نیز ربط داشت. اساساً سرداران ملی در بحران ترور سیدعبداله بنابر اطلاعاتی محدود و شاید به واسطه سابقه نارضایتی از دموکرات‌ها با این سرداران ائتلاف کرده بودند. درحالی که آنان نه تنها از دسیسه‌ها و شرایط خاص پایتخت سیاسی آگاهی کافی نداشتند؛ بلکه موقعیت متزلزل و ظرفیت‌های قدرت‌طلبانه آن سران نوپا را نیز در نظر نگرفتند. از این رو، در ائتلاف مذکور اعتبار سرداران ملی به نفع سرداران اعتدالی هزینه می‌شد. در نهایت که این هزینه نتوانست آنان را حفظ کند، آن دو ائتلاف مذکور را به نفع خود شکستند. درواقع، سرداران ملی اساساً قواعد اعتماد را در نظر نگرفتند. براساس این، خواسته یا دشمن مشترک به‌ویژه در شرایط بحرانی، نباید تنها ملاک ائتلاف باشد. به افراد و گروه‌ها باید به‌اندازه ظرفیت آنان و متناسب با کلیت شرایط، اهداف و منافع آنان اعتماد کرد. همچنین، حدود اعتماد به‌اندازه اطلاعات و دانش هر دو طرف از یکدیگر و از شرایط موجود بستگی دارد. بدین ترتیب، سرداران ملی بنابر اعتماد گسترده و نابجای خود، بستری برای اعمال آسیب‌زای آن دو سردار اعتدالی فراهم کردند. درواقع، هرچند سرداران ملی به نسبت اخلاق و نیت نیکی داشتند، به دلیل آگاهی ناکافی از شرایط و طرف‌های مقابل، اعتماد و ائتلافی کردند

که نه تنها به خود آنان، بلکه به کل مجاهدین و مملکت آسیبی جدی وارد کرد. در نهایت، تمام این اشتباه‌ها و تصمیم‌های متزلزل به هرج و مرج فزاینده‌ای منتهی شد که جز با جنگی خونین التیام نمی‌یافت. این اشتباهات خواسته یا ناخواسته، زمینه را برای پیشبرد اهداف بیگانگان هموار کرد.

قدردانی

در اینجا باید از راهنمایی‌های موجز و مؤثر استاد راهنمای پایان‌نامه جناب آقای دکتر جهانگیر جهانگیری تشکر کنم. استادی که به دلیل طبع بلند خود حاضر نبودند با وجود راهنمایی‌های خویش از ایشان به‌عنوان نویسنده مقاله حاضر نام برده شود. همچنین از جناب آقای دکتر اسفندیار غفاری نسب و پرفسور چارلز راگین بواسطه‌ی راهنمایی‌های روش‌شناختی تشکر می‌کنم.

پی‌نوشت‌ها

1. این مقاله براساس بخشی از موارد مطالعه موجود در پایان‌نامه کارشناسی ارشد باعنوان *تحلیل علی فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب دموکرات و اجتماع‌یون اعتدالیون در مجلس دوم شورای ملی در ایران* (دفاع‌شده در مهر 1391 به راهنمایی دکتر جهانگیری و به مشاوره غیررسمی دکتر شیپری) تدوین شده است. در اینجا باید از راهنمایی‌های مختصر، موجز و مؤثر استاد راهنمای پایان‌نامه، جناب آقای دکتر جهانگیر جهانگیری، تشکر کنم؛ استادی که به دلیل منش خاص خود حاضر نبودند با وجود راهنمایی‌های خویش از ایشان، به‌عنوان نویسنده مقاله حاضر نام برده شود. همچنین، از جناب آقای دکتر اسفندیار غفاری نسب و پرفسور چارلز راگین به دلیل راهنمایی‌های روش‌شناختی‌شان تشکر می‌کنم.
2. رجوع شود به سیف‌الله سیف‌الهی، «رویکرد نوین بر نظام مدیریتی، مدیریت شورایی و مشارکتی در جامعه ایران: تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی از موانع و زمینه‌های نهادینه شدن شورای اسلامی در ایران»، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ش 32-33 (بهار 1383).

3. conflict resolution
4. Roger Fisher and William Ury
5. Christopher Moore
6. Bernard Mayer

7. interest-based
8. rights-based
9. power-based
10. diversity-oriented
11. Charles Ragin
12. configuration
13. holistic perspective
14. boolean algebra
15. set-theoretic analysis
16. crisp-sets
17. fuzzy sets
18. crossover point
19. calibration

20. «کدگذاری به معنای نام‌گذاری قطعات داده‌ها با برجستگی است که هم‌زمان هر بخشی از داده‌ها را مقوله‌بندی، خلاصه‌نویسی و تشریح می‌کند» (Charmaz, 2006: 44). در این حالت، پژوهشگر ربط هر قطعه از داده‌ها را به مقولات نظری و ابعادی از مفاهیم مورد نظر جست‌وجو می‌کند.

21. براساس ایمیل چارلز راگین در پاسخ به سوال پژوهشگر در 6 اگوست 2011.

22. چنین فرایند کلی می‌تواند از ترکیبی از فرایندهای مذکور به وجود آید. با این فرض که هرچه ماهیت و خصیصه‌های هر فرایند رعایت نشود، هزینه‌ها بیشتر و کنترل کمتر خواهد شد؛ چنان‌که حتی یک فرایند منفعت - بنیان در یک بستر نامتناسب می‌تواند به شدت و به سرعت کشمکش را به تخصمی خونین و قدرت - بنیان سوق دهد.

23. mostly but not fully in
24. more or less in
25. alternative

منابع

- اتحادیه، منصوره (1361). *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی)*. تهران: نشر گستره.
- اسکاچپول، تدا (1388). *بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی*. ترجمه سیدهاشم آقاجری. تهران: نشر مرکز.
- امیرخیزی، اسماعیل (2536). *قیام آذربایجان و ستارخان*. چ 2. تهران: امیرکبیر.

- تبریزنیا، حسین (1371). *علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران*، تهران: مرکز نشر بین‌الملل.
- سالمی قمصری، مرتضی (1386). «موانع فرهنگی تحزب در ایران (در دوره اول تحزب 1304-1288 ه.ش)»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش 37، صص 39-71.
- کسروی، احمد (2535). *تاریخ هجده ساله آذربایجان*، تهران: امیرکبیر.
- لوح مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و اسلامی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی.
- مروارید، یونس (1377). *از مشروطه تا جمهوری: نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت*، ج 1، تهران: اوحدی.
- ملک‌زاده، مهدی (1371). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ج 6 و 7، چ 3، تهران: علمی.
- Burgess, H. & G.M. Burgess (1997). *Encyclopedia of Conflict Resolution*. Santa Barbara: ABC-CLIO.
- Charmaz, K. (2006). *Constructing Grounded Theory: A Practical Guide through Qualitative Analysis*. London: Sage Publications Ltd.
- Furlong, G.T. (2005). *The Conflict Resolution Toolbox: Models & Maps for Analyzing, Diagnosing and Resolving Conflict*. Ontario: John Wiley & Sons.
- Jackson, S.T. (2008). *Military Spending and the Washington Consensus: The Unrecognized Link between Militarization and the Global Political Economy*. A Dissertation Submitted to University of Arizona in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, The University of Arizona, Graduate College.
- Miall, H., O. Ramsbotham & T. Woodhouse (2005). *Contemporary Conflict Resolution*. 2nd Ed. Cornwall: Polity Press.
- Ragin, Ch.C. (2000). *Fuzzy-set Social Science*. Chicago: University of Chicago Press.

تحلیل فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب ... _____ زهرا توللی و همکار

- _____ (2008). *Redesigning Social Inquiry: Fuzzy sets and beyond*. Chicago: University of Chicago Press.
- Ragin, Ch.C. & C. Robinson (2011). "Comparative Methods". *International Encyclopedia of Political Science*. London: SAGE Publications Inc.
- Rihoux, B. & Ch.C. Ragin (2009). *Configurational Comparative Methods. Qualitative Comparative Analysis (QCA) and Related Techniques*. California: Sage publication.
- Sayer, A. (2005). *The Moral Significance of Class*. Cambridge: Cambridge University Pr.